

برخورد با پدیده "کار اطفال" در افغانستان

۱. نظر اجمالی

فهرست

- ۱..... نظر اجمالی
- ۲..... چرا اطفال کار می کنند؟
- ۷..... اطفال در معرض خطر و چگونگی واکنش به آن.....
- ۹..... نتیجه گیری و توصیه ها.....
- نقشه موقعیت های کاری ساحوی
- ۱۴..... مطالعه «کار اطفال».....

پدیده "کار اطفال" یا (Child labor) در افغانستان یکی از موضوعاتی است که باعث نگرانی روز افزون در این کشور میگردد. بر اساس تخمین های اخیر چنین معلوم میگردد که از هر چهار طفل افغان یک نفر (بین سنین ۷ تا ۱۴ سال) به نحوی از انحاء مشغول فعالیت های کاری می باشند. سؤال عمده در این گزارش مختصر "این است که "چرا اطفال در افغانستان کار می کنند؟" و دیدگاه موضوع مورد بحث آن بیشتر بر عواملی تمرکز دارد که روی چگونگی تصمیم گیری در سطح خانواده تاثیر گذار می باشند. از انجام تحقیق کیفی (مصاحبه ها و گفتگو های تفصیلی) با خانواده های که اطفال شانرا وادار به کار میسازند چنین نتیجه بدست آمد که فقر و تنگدستی تنها عامل بوجود آمدن پدیده "کار اطفال" در جامعه نبوده و عوامل دیگری مثل شرایط اجتماعی و فرهنگی نیز روی این پدیده تاثیر گذار اند؛ زیرا این تحقیق نشان داد که بر علاوه خانواده های که واقعاً نیازمند اند تا اطفال شان را وادار به کار نموده و از پول بدست آمده امرار حیات نمایند، خانواده های نیز اند که از لحاظ اقتصادی نیاز مبرم به این موضوع ندارند تا اطفال شانرا مجبور به کار کردن نمایند. پس، به جز از اقتصاد، چه عوامل دیگر اجتماعی و فرهنگی باعث زنده نگه داشتن پدیده "کار اطفال" میگردد؟ این تحقیق میکوشد تا جواب قناعت بخش برای این سؤال را دریابد تا بتواند با استفاده از نتایج بدست آمده، زمینه های عملی سازی آن را در پالیسی ها مورد توجه قرار دهد.

توضیح ۱: پدیده «کار اطفال» چیست؟

سؤالیکه «پدیده کار اطفال را چگونه تعریف نمائیم؟» موضوعی است که بحث و مناظره روی آن ادامه دارد، اما بطور کل، این پدیده، در دو مرجع: ۱. کنوانسیون «حد اقل سن برای پذیرش به اشتغال» سازمان بین المللی کار، مصوب سال ۱۳۵۱ خورشیدی (۱۹۷۳ میلادی)؛ و ۲. کنوانسیون «حقوق اطفال» سازمان ملل متحد، مصوب سال ۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی) به دو روش تعریف گردیده است. تعریف اول در کنوانسیون سازمان بین المللی کار تنها منحصر به سن بوده و حد اقل سن قانونی برای انجام کارهای شاقه یا اموری که برای اطفال خطرناک ثابت شده میتواند را ۱۸ سال، و برای انجام کارهای سبک را ۱۵ سال تعیین نموده است. در حالیکه تعریف دوم در کنوانسیون «حقوق اطفال» سازمان ملل متحد روش مشروط بر عوامل تاثیر گذار دیگری (بجز از سن) را اعمال نموده است - در ماده ۳۲ این کنوانسیون آمده است که اطفال باید از انجام کارهای که خطرناک پنداشته شده و یا سد ادامه آموزش و پرورش آنها میگردد؛ و یا برای صحت، و رشد فیزیکی، عقلی، زهنی، روحی، و اخلاقی آنها مضر باشند، محافظت گردند. قانون کار افغانستان روش «حد اقل سن برای پذیرش به اشتغال» را پذیرفته که در آن حد اقل سن قانونی برای انجام فعالیت های شاقه ۱۸ سال و برای کارهای سبک ۱۵ سال تعیین گردید است. در این تحقیق، عبارت «کار اطفال» منسوب به فعالیت های با مزد و بدون مزدی اند که توسط اطفال زیر ۱۴ سال، و همچنان فعالیت های شاقه ی اند که توسط اطفال ۱۵ تا ۱۸ سال انجام می یابند. فعالیت های که در کنوانسیون مصوب سال ۱۳۷۷ خورشیدی (۱۹۹۹ میلادی) سازمان بین المللی کار، بدون در نظر داشت سن، صریحاً «بدترین اشکال کار اطفال» نام برده شده اند شامل منازعات مسلحانه، فحشاء، و قاچاق مواد مخدر میگرددند.

درباره نویسنده

امندا سیم

امندا سیم از سال ۱۳۸۶ بدینسو روی موضوع "حفاظت اطفال" کار میکند. حین نوشتن متن دستداشته، او به حیث آمر تحقیق بخش "کار اطفال" در دفتر واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان ایفای وظیفه مینمود، و بعداً رهبری برنامه توسعه وی "محافظت اطفال و جوانان" کمیته نجات بین المللی در افغانستان را به عهده گرفت. امندا دارنده رتبه ماستری در روابط بین الملل از دانشکده حقوق و دیپلماسی فلیچر پوهنتون تفتس میباشد.

گذار اند. به عنوان مثال، خانواده‌ها غالباً رفتار و سلوک دیگران را در محیط زیست خود سرمشق چگونگی پروسه تصمیم‌گیری‌های خودشان ذکر می‌کنند، بنابر این پیشنهاد میگردد که تعویض معیارهای پذیرفته شده میان مردم محل با معیارهای که تأکید آن، به دور از کار، روی فراگیری آموزش و پرورش باشد ممکن است بهترین راه برای کاهش رواج فرستادن اطفال به کار گردد. پاسخ موثر به موضوع کار اطفال در افغانستان نیازمند تحلیل اساسی از عواملی که بر روند تصمیم‌گیری خانواده‌ها تأثیرگذار اند، و ماهیت و میزان خطراتی که اطفال در معرض آنها قرار دارند؛ است. هدف این اقدام واضح ساختن این امر است که آیا روند تطبیقی در قبال این پدیده باید به منظور جلوگیری، کاهش، و محو این پدیده در مورد اطفالی که در معرض خطر پدیده «کار اطفال» قرار دارند، یا آنانیکه از قبل با این پدیده درگیر شده اند، و یا اطفالی که گرفتار بدترین اشکال این پدیده گردیده اند، باشد؟

افزایش توجه به موضوع کار اطفال در افغانستان منتج به پالیسی‌های مثبت و پیشرفت‌های عملی فراوانی شده است. هرچند تا هنوز هیچ استراتژی جامع و همه‌جانبه‌ای برای جلوگیری، کاهش و امحای کار اطفال وجود ندارد تا مداخلات گوناگون سازمانهای دولتی و تطبیقی را یکپارچه بسازد. از آنجایی که کار اطفال موضوعی است که باید فراتر از مرزهای پالیسی مورد نظر قرار گیرد، پس لازم است که یک روش و راه حل موثر، هماهنگ و چندسکتوری تنظیم گردد که تمامی سطوح به شمول اطفال، فامیل‌هایشان، اجتماعات و محیط سیاستگذاری، را پوشش دهد. پیشنهاداتی که در قسمت دوم این تحقیق برای دولت افغانستان و سازمانهای تطبیقی ارائه شده است، به قرار ذیل می‌باشد:

- بهبود در کیفیت و دسترسی به تعلیم و تربیه
- بهبود فرصتهای معیشتی و دستاوردهای اقتصادی برای خانواده‌های فقیر
- گفتگو با اجتماعات مردمی نسبت به تغییر نورمها و نگرش‌های شان نسبت به کار اطفال
- تقویت پالیسی‌ها و زمینه‌های حقوقی و مقرراتی برای کاهش کار اطفال

یافته‌های این تحقیق محصول مصاحبه و گفتگو با ۳۳ خانواده فقیر در نواحی شهری و روستایی مثل ولایت کابل: شهر کابل و محلات نیمه شهری در ولسوالی پغمان؛ ولایت هرات: شامل شهر هرات و محله‌ی نزدیک اسلام قلعه در مرز با ایران؛ و قریه‌ی در محلات روستایی ولایت بدخشان است. و افزون بر این، محققان ما با ادارات و دفاتر ذی‌علاقه در این زمینه مثل وزارت کار، امور اجتماعی، و شهدا و معلولین؛ سازمانهای غیر دولتی ملی و بین‌المللی، و دفاتر ملل متحد، روی ساختار پالیسی و تأکیدات روی چگونگی برنامه‌ها نیز مشورت و رایزنی نموده اند.

ترکیبی از عوامل روی چگونگی اتخاذ تصمیم درباره فرستادن اطفال به کار، تأثیرگذار اند. فقر یکی از عوامل جدی تأثیرگذار روی تصمیم‌گیری خانواده‌های مصاحبه‌شونده در این مطالعه تحقیقاتی می‌باشد. علاوه بر این، ترکیب خانواده‌ها و هنجار (و ناهنجار)های مربوط به جنسیت (مرد و زن) دستیابی به منابع نیروی کار را تحت تأثیر قرار می‌دهد که می‌تواند منتج به احساس ضرورت برای ارسال اطفال به کار شود. البته این امر بدان معنی نیست که تنها خانواده‌های فقیر و مجبور، اطفال شانرا به عنوان گزینه بدیل برای امرار معاش استفاده نمایند؛ یکی دیگر از عوامل قابل بحث و مهم در چگونگی تصمیم‌گیری خانواده‌ها برای کار اطفال، نحوه و شیوه‌ی است که آنها مخارج و عواید متوقعه از کار اطفال را با مخارج و منافع شمولیت آنها در مکتب به شکل مقایسوی ارزش گذاری می‌کنند. این خانواده‌ها بر اساس نظریات و نگرش‌های بالقوه خود شان الویت‌های افزایش و یا کاهش سرمایه‌گذاری در این دو مورد در آینده را تنظیم می‌نمایند. خانواده‌های فقیری که اطفال خودشان را به عوض کار، به مکتب می‌فرستند توانایی این را دارند تا منافع کوتاه مدت اقتصادی را برای دستیابی به منافع دراز مدت که معمولاً دریافت وظیفه خوب با معاش مناسب است، قربانی نمایند. حالا اینکه خانواده‌ها چگونه رابطه نسبتی میان این دو منفعت را ارزش گذاری می‌کنند بستگی به عوامل متعدد دیگری دارد که از آن جمله می‌توان به کیفیت و دسترسی به آموزش و پرورش، و هم‌نشینی با اشخاص کامیاب و مثبت در محیط زیست شان اشاره نمود.

تفاوت در نگرش‌ها در قبال خطرات نیز خانواده‌های را که طرفدار پدیده «کار اطفال» اند از آنانیکه طرفدار این پدیده نیستند متمایز می‌سازد. خانواده‌های که از خطرات ناشی از کار اطفال شان بیشتر آگاه هستند، اثرات مخرب فیزیکی و روانی این پدیده را متحمل شده نمی‌توانند. یافته‌های این تحقیق همچنان به آن‌عده از معیارهای اجتماعی اشاره می‌کند که روی تصمیم‌گیری خانواده‌ها در مورد فرستادن و یا عدم فرستادن اطفال شان به کار تأثیر

۱. چرا اطفال کار می‌کنند؟

اجتماعی در افغانستان نیز به نوبه خود تصمیم‌گیری خانواده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در بخش‌های بعدی به طور جزئی هر یک از عوامل و شیوه‌های موثر بر تصمیم‌گیری فامیلها در زمینه کار اطفال، مورد بررسی قرار گرفته است.

مسئله کار اطفال متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد که رابطه متقابل پیچیده‌ای بین آنها وجود دارد. همانطوری که در نمودار ذیل نشان داده شده است، روند تصمیم‌گیری خانواده‌ها راجع به فرستادن اطفالشان به محیط کار، وابسته به خصوصیات فردی طفل و سرپرست او و چگونگی تحرک و جابجایی قدرت در میان خانواده، اجتماعات مردمی و هنجارها (نورمها) و قواعد اجتماعی می‌باشد. زمینه‌های کلان تر اقتصادی



عدم امنیت معیشت را به عنوان یک پاسخ برای کار اطفال خودشان قلمداد نکردند و این می تواند به تاثیرات سایر عوامل غیر اقتصادی اشاره نماید.

۲.۱. شکل خانواده ها و هنجارهای (نورمهای) جنسیتی

شکل وساختار جمعیتی خانواده یکی از عاملهای مهمی است که می تواند تصمیم گیری در زمینه استفاده از نیروی کار اطفال را تحت تاثیر قرار دهد. این تحقیق نشان می دهد که خانواده هایی که سرپرست ونان آورشان را از دست داده اند ویا اینکه به دلیل بیماری وناتوانی نمی توانند کار نمایند، احتمال بیشتری دارد که از نیروی کار اطفال خودشان استفاده نمایند. واز طرف دیگر به دلیل هنجارها وقواعد جنسیتی، مادران سرپرست خانواده نمی توانند در بازار، فعالیت اقتصادی نمایند و به همین دلیل احتمال اینکه فرزندان پسر خانواده برای فراهم آوری ضرورتهای معیشتی در فعالیت اقتصادی شرکت کنند، بسیار زیاد می باشد. هرچند در برخی موارد استثنائی، مادرانی وجود دارند که با تفکرات قالبی و کلیشه ای جنسیتی مبارزه کرده اند ونگذاشته اند که اطفال شان ترک تحصیل کرده واز تعلیم وتحصیل بازمانند و درمقابل خودشان وارد بازار کار شده اند.

۱.۱. فقر وعدم امنیت معیشت

فقر ومحرومیت تقریباً تمامی خانواده های موجود دراین مطالعه تحقیقاتی را درسطره خود قرار داده است. این خانواده ها به دلیل کمبود فرصتهای اشتغال، معاشهای کم ومخارج بالای زنده گی وقرض دار بودن، از سطح زنده گی پایین وعدم اطمینان اقتصادی رنج می برند وبرای مرفوع ساختن نیازهای اولیه زنده گی دست به گریبان می باشند. درفقدان یک چارچوب وسیع وگسترده تامین وحمايت اجتماعی، کار اطفال به عنوان یکی از استراتیژی هایی محسوب می گردد که از طریق آن خانواده ها درصدد افزایش سطح درآمد خود می باشند. هرچند تمامی خانواده ها دراین تحقیق

به نظر من، هیچ کسی فقیر تر از من نیست، پس وقتی من میتوانم با وجود مشکلات مالی فرزندم را به مکتب روان کنم، چرا دیگران نمی توانند؟ هرکسی می تواند هرکاری را که بخواهد انجام دهد ... و هیچ کسی گفته نمی تواند که من بسیار بیچاره بودم ونتوانستم فرزندانم را به مکتب روان کنم.

- پدري از یک خانواده در شهر کابل که طفلش را بکار نگمارده است.

توضیح ۲: به چالش کشیدن هنجارها وقواعد جنسیتی

مادر سلیم تنها نان آور برای خانواده ۶ نفری خودش می باشد بعد از اینکه شوهرش یک سال پیش فوت کرده است. به خاطر اینکه بتواند اطفال خودش را شامل مکتب بسازد، مادر سلیم به عنوان خدمه برای خانه های همسایه ها کار می نماید، ولی همواره ترس از این دارد که سبب اعتراضات سایر خانم ها شود که چرا قواعد اجتماعی مربوط به انزوا و عدم مرادوات اجتماعی زنان را نقض کرده است؟.

وی چنین می گوید: «من نمی خواهم که آنها (زنان) به اطفالم بگویند که من به عنوان خانه سامان در خانه های مردم کار می کنم. و اگر چنین اتفاقی بیفتد اولادهایم خجالت می کشند، و من هرگز چنین چیزی را نمی خواهم. پدر اولادهایم مرد کلان ومهم بود، او یک ملا بود به همین خاطر مردم نمی پذیرند که زنش باعث ننگ وشرم خانواده اش شود».

داستان مادر سلیم حاکی از این است که زنان می توانند به منظور دسترسی اطفالشان به تعلیم و تربیت نورمها وقواعد جنسیتی را به چالش بکشند. هرچند چنین کاری خطرات جدی وبزرگی برای شهرت خود و خانواده شان به بار می آورد.

توانایی زنان برای سهم گیری در درآمد خانواده هایشان و کاهش نیاز برای کار اطفالشان به صورت گسترده ای متفاوت بوده و به اقدامات شخصی زنان، برخورد خانواده های آنها و قواعد اجتماعی وابسته است.

۳.۱. رابطه بین کار ومکتب

تمامی خانواده های مورد مطالعه در این تحقیق با چالشهای مشابه فقر ومنابع ناکافی برای کار روبرو می باشند ولی هنوز همگی برای برخورد با این مشکلات از کار اطفال استفاده نکرده اند. خانواده ها معمولاً این سوال را که چگونه می توان به طور موثر وقت اطفال را در چارچوب مکتب و کار یا ترکیبی از هر دو مورد تنظیم کرد، مورد توجه قرار دادند. یافته های این تحقیق نشان می دهد که خانواده ها در یک تحلیل دقیق هزینه ها ومنافع کار درمقابل مکتب وافزایش وکاهش سرمایه گذاری برای تعلیم فرزندانشان را براساس عایدات کوتاه مدت ودراز مدت آینده ارزیابی می کنند.

خانواده ها در این تحقیق سه عامل مهم را در ارزیابی ارزش مکتب مورد لحاظ قرار می دهند که عبارتند از: کیفیت، مصارف وامکان بالقوه استخدام برای آینده. کیفیت تعلیم وتربیه که اطفال در مکاتب بهره مند می شوند، از نکات بسیار مهم برای بسیاری از خانواده ها محسوب می شود و اطفال و والدینشان همواره درباره کمبود امکانات مکاتب، صنوف درسی بسیار مزدحم و معلمان ضعیف، بی انگیزه وحتى سوء استفاده گر شکایت دارند. همچنین آنها از دستاوردهای تعلیمات وآموزشهای بی کیفیت نیز ناراحت می باشند. همانطوری که یک مادر از شهر هرات می گوید: "دختر من صنف چهارم مکتب است ولی هنوز نه می تواند بنویسد ونه بخواند پس چه ضرورتی برای روان کردن او به مکتب است؟". در این مثال خود دختر هم تمایل نشان می داد که مکتب را ترک نماید و درخانه با مادرش قالین بافی کند که البته این تصمیم وی ناشی از دو عامل عمده به شمار می رود: اول اینکه ضعف کیفیت تعلیمی در مکتب و دوم اشتیاق به یادگیری یک هنر

قالین بافی) وکمک به مادرش برای بهبود سطح معیشت زنده گی شان.۱۰ تنها استثناء قضیه مورد مطالعه در یک روستای بدخشان بود، جایی که پاسخ دهنده گان به طور عموم از کیفیت تعلیم وتربیه مکاتب رضایت داشتند. تصور خانواده ها از بالا بودن کیفیت تعلیم وتربیه و نیز تعهدات قوی نسبت به تعلیم وتربیه بین رهبران مردمی، تاحدی موثر بوده است که تقریباً کلیه اطفال در این روستا به صورت منظم در صنف های درسشان شرکت می کردند. این مثال نمایانگر اهمیت کیفیت تعلیم وتربیه در تصمیم گیری خانواده ها در مورد دو گزینه کار و مکتب می باشد.

افزون بر موضوع کیفیت تعلیم وتربیه، مصارف وهزینه های تعلیم وتربیه از مسائل مورد توجه این خانواده های فقیر به شمار می آید. درحالی که تعلیمات ابتدائیه وثانویه برای تمامی اطفال در سراسر افغانستان به صورت رایگان می باشد، ولی درحقیقت خانواده ها هزینه ها ومصارف متعددی از قبیل کالای مخصوص مکاتب، قرطاسیه وحتى اهدای تحایف برای معلمان درمقابل کامیابی اطفالشان در امتحانات پایان سال را باید بپردازند. پرداخت این مصارف درحالی که ناچیز به شمار می رود ولی برای خانواده هایی که برای تامین نیازهای اولیه خودشان با مشکل مواجه می باشند، دشوار به نظر می رسد. با این وجود هم، اگر خانواده های فقیر تشخیص دهند که سرمایه گذاری در تعلیم وتربیه اطفالشان با ارزش می باشد، آنها راهکارهای خلاق ومبتکرانه را برای فراهم آوری حداقل نیازهای فرزندانشان جستجو می نمایند؛ مثلاً از بوجی های برنج برای طفلشان بیگ می سازند واز بازمانده های قرطاسیه های استفاده شده برای کودکانشان کتابچه می سازند تا بتوانند به تحصیل شان ادامه دهند.

خانواده ها درهنگام تصمیم گیری برای انتخاب بین دو گزینه کار ومکتب اطفالشان عایدات بالقوه ای را که درآینده نصیب اولادشان می گردد، نیز مورد توجه قرار می دهند. فامیل ها درصورتی که سرمایه گذاری در تعلیم وتربیه بتواند آینده با ثبات وشرايط مالی خوبی را برای فرزندانشان فراهم نماید، آنگاه تمایل وعلاقه بیشتری به فرستادن اولادشان به مکاتب ازخود نشان خواهند داد، چون چنین عملی علاوه برتامین وتضمین آینده

خوب است مهارتهای مختلفی را بیاموزیم، خوب است تا یادگیرییم چطور بوت ترمیم کنیم، بخاطر اینکه بعد از آن می توانیم لب سرک نشسته ویدین وسیله ۲۰ یا ۳۰ افغانی کسب کرده وبتوانیم غذا بخریم. برخی اوقات داشتن مهارت خیلی بهتر از این است که تعلیم یافته باشیم، بخاطر اینکه اگر تحصیل هم کرده باشیم ممکن است به سرعتی که بوسیله مهارت می توانیم کار پیدا کنیم، با تحصیل نتوانیم کار پیدا کنیم. وقتی مهارتی را بلد هستیم می توانیم هروقت بخواهیم کار کنیم؛ به عنوان مثال وقتی یک شخص می تواند لب سرک نشسته وبوتها را ترمیم کند، هرچند تعلیم یافته نیست، ولی می تواند به خانواده اش کمک نماید.

– یک پدر کلان از شهر هرات که مدافع کار اطفال می باشد.

فرزندان، به طور غیر مستقیم خودشان را هم مستفید می گرداند. هرچند برای برخی خانواده ها حداقل ضروریات برای بقاء مانعی برای سرمایه گذاری دراز مدت به شمار می رود. با توجه به سطح بالای بیکاری در افغانستان،

۱. به داستان شقیقه در مطالعه موردی هرات بنگرید.

کار نمی کنند، ریشخند می شوند. به همین دلیل اکثر متعلمین کارگر نتوانسته اند که همزمان هم تقاضای بازار کار را برآورده سازند و هم به مکتب خودشان ادامه بدهند و در نهایت تعلیم را ترک کرده و به کارگران دائمی پیوسته اند.

۱.۵. یادگیری به عنوان انگیزه ای برای کار

خانواده های فقیری که با مشکل عدم برخورداری از مزایای عینی تعلیم و تربیه در کوتاه مدت یا درازمدت مواجه هستند، ممکن است به این نتیجه برسند که وقت اولادشان بهتر است در پیدا نمودن معاش صرف شود. مصارفی که از طریق رفتن به مکتب به بار می آید، غالباً بسیار گران تر از دست آوردهایی است که از کیفیت پایین تعلیم و تربیه حاصل می شود و تمام این درشرایطی است که اکثر فامیلهای فقیر برای حداقل های زنده گی برای بقای خودشان مبارزه می کنند. البته کار اطفال تنها به عنوان منافع کوتاه مدت آن برای خانواده ها دارای اهمیت نمی باشد، بلکه بدلیل یادگیری حرفه ها و مهارتهایی است که برای آینده نامعلوم طفل می تواند مثمر ثمر باشد. پاسخ دهنده گان از یادگیری به عنوان یک انگیزه مهم غیر اقتصادی برای کار اطفال یاد کرده اند و درمقایسه با کارهای لب سرکها که توسط برخی از اطفال کارگر انجام می شود، معمولاً کارهایی را ترجیح می دهند که سبب افزایش مهارتها می شود، مثل شاگردی در یک فابریکه تولیدی برخی کار کودکان را منحیث مرحله عبور از کودکی به دوران بلوغ و مردانگی توصیف می کنند و این درحالی است که کودکان مهارتهای مهم زنده گی را می آموزند تا بتوانند در آینده به عنوان یک همسر و یا پدر و یا مادر خوب و مهمم به شمار روند. والدین و حتی خود اطفال کارگر یادگیری را به عنوان جوهره مسئولیت پذیری و به عنوان یک نکته کلیدی و دست آورد مثبت کار اطفال قلمداد می کنند.

من می دانم که چطور زمین را قلبه (شخم) کنم ، کشت کنم و محصول نهایی را درو و برداشت نمایم... ووقتی که پدرم درخانه نیست، من کسی هستم که مسئولیت خانواده ام را به عهده دارم ووقتی قضیه ای در قریه ما اتفاق بیفتد من به جلسه ای دعوت می شوم که بزرگان تصمیم گیری می کنند.

- پسر ۱۴ ساله ای که در بدخشان هیزم جمع آوری کرده و می فروشد.

۱.۶. حفاظت اطفال و جلوگیری از مشکلات برای آنه

این تحقیق رابطه جالبی را بین کار اطفال و ترس والدینشان برای حفاظت از سلامت جسمی و روانی شان نشان می دهد. بسیاری از پاسخ دهنده گان بی اعتمادی عمیق خودشان را نسبت به وقت آزاد و فراغت اطفالشان نشان داده اند و استدلال نموده اند که دوست دارند اطفال خودشان را از آزاد گشتن در سرکها و مشکلاتی که ممکن است دامن گیرشان شود، حفظ نمایند و به همین خاطر است که کوشش می کنند اطفالشان را به کار بفرستند. والدین بخصوص ترس دارند از اینکه کودکانشان در معرض تأثیرات منفی و رفتارهای انحرافی مانند سگرت کشیدن و استعمال مواد مخدر قرار بگیرند و یا اینکه اختطاف شده و یا قربانی سایر جرایم خشونت آمیزی شوند که در شرایط ناامن در سراسر کشور به آن دامن زده می شود.

چنین ترسهایی اکثراً در نقاط شهری شهرهای کابل و هرات از طرف والدین اطفال ابراز شده است و این درحالی است که اطفال در نواحی روستایی ولایت بدخشان بسیار آزاد هستند تا از تفریح و بازی با همسالان خودشان

اکثر پاسخ دهنده گان شک داشتند که تعلیم و تحصیل رسمی بتواند منتج به فرصتهای بهتر کاری برای اولادشان شود. این مسئله به همراه پایین بودن کیفیت تعلیم و تربیه و یادگیری در مکاتب و محدودیت در دسترسی به تعلیمات ثانویه و تحصیلات عالی، باعث روی آوری به کار اطفال شده است.

۱.۴. ترکیب مکتب و کار

در تصمیم گیری بین کار و مکتب، اطفال خانواده های فقیر مصارف و منافع هر کدام را در کوتاه مدت و دراز مدت سنجیده و برای اینکه بتوانند فواید و مزایای گزینه های بسیار محدود را به حداکثر برسانند، به انتخاب گزینه های استراتژیک دست می زنند. برخی فامیلهای با فرستادن بعضی از اولادشان به کار و بعضی دیگر به مکتب، یا فرستادن تمام اطفالشان به کار یا مکتب، کوشیده اند تا خطرات احتمالی را که متوجه شان است، کاهش دهند. با بهره گیری از استراتژی دوم، اطفال می توانند همزمان هم تعلیمات خودشان را بیاموزند و هم حرفه و مهارتی را بیاموزند تا در صورتی که نتوانند از طریق تعلیمات خودشان کاری بیابند، بتوانند از طریق مهارتشان زنده گی شان را تامین نمایند.

اما مشکل دیگری که در این صورت بوجود می آید این است، کودکانی که تصمیم می گیرند به طور همزمان هم به مکتب بروند و هم کار کنند با دشواریهای فراوانی در اشتراک در مکتب و یادگیری درسهایشان مواجه می شوند. پاسخ دهنده گان به تحقیق ما در شهرهای کابل و هرات اذعان نمودند که کارفرمایان اجازه نمی دهند که اطفال ما بتوانند در وقت مکتب در درس و تعلیمشان حاضر شوند و یا تکالیف و کارخانگی شان را انجام دهند و از طرف دیگر معلمان در مکتب هم چنین متعلمین کارگر را به خاطر اینکه نتوانسته اند به دلیل اشتغال در کارگاههای تولیدی کارهای خانگی شان را بدرستی انجام دهند، تنبیه و مجازات می کنند. اطفال پاسخ دهنده هم می گویند که از الزامات محیط کار و مکتب خسته شده اند و از سوی سایر هم صنفی های خودشان که

من: جنبه های مضر کار شما چیست؟

پاسخ دهنده: من مجبور به ترک تحصیل شدم و این بزرگترین مشکل من بوده است

من: با تعلیم و مکتب خودت چطور بودی؟

پاسخ دهنده: من خوب نبودم و معلم همیشه مرا می زد

من: چرا تو متعلم خوبی نبودی؟

پاسخ دهنده: بخاطر اینکه من هیچ وقت کارهای خانگی خودم را انجام نمی دادم و درسهایم را نمی خواندم

من: چرا؟

پاسخ دهنده: بخاطر اینکه من تا دیر وقت شب کار می کردم ، پس چطور می توانستم درس بخوانم ؟ ها؟

- مصاحبه با پسر ۱۳ ساله که به عنوان شاگرد مستری در شهر هرات کار می کرد

و بدخشان دختران دیده می شدند که درملاء عام کار می کردند، مثل جمع آوری بوتل های پستی از بین زباله ها و چوپانی، هرچند اعتراضات نسبت به حضور آنها در ملاء عام وقتی که آنها به سن بلوغ می رسند، افزایش می یابد.

۸.۱. تاثیرات نورم وقاعده اجتماعی

همانطوری که فامیلها نمی توانند درانزوا زنده گی نمایند، بنابراین تصمیم گیری درباره کار اطفال به صورت گسترده ای تحت تاثیر رفتار و کردار سایر اعضای جامعه می باشد. قدرت نورمها وقواعد اجتماعی در رابطه با کار و مکتب اطفال را می توان با مقایسه بین مطالعه موردی ای در مورد یک قریه در بدخشان و محله ای نزدیک به اسلام قلعه واقع در نزدیکی سرحد ایران، به وضوح مشاهده کرد. درمورد اول (بدخشان) اشتراک درمکاتب تقریباً برای تمام کودکان قریه یک نورم وقاعده می باشد. در این ساحه رهبران اجتماعی نسبت به تعلیم و تربیه اطفال احساس تعهد می کنند، والدین اطفال از کیفیت تعلیم و تربیه رضایت دارند. در نتیجه اکثر کودکان سر صنف درس خودشان حاضر می شوند. برخلاف این، کار کردن اطفال در اجتماعی در اسلام قلعه نزدیک مرز ایران یک نورم وقاعده می باشد. اطفال و والدینشان ارزش کمی به اشتراک در صنف درس با کیفیت تعلیمی پایین قایل می باشند ولی درمقابل کار را انتخاب کرده اند تا با عبور به آن طرف مرز از فرصتهای کاری عمده استفاده نموده و بتوانند کسب معاش و پول نمایند.

علاوه بر این، فقدان یکپارچگی واتحاد اجتماعی وسازمانی در روستای اسلام قلعه به معنی این است که هیچ گونه الزام وقاعده اجتماعی در رابطه با کار اطفال وجود ندارد و اطفال کارگر از حمایت و کمک کمتر اجتماع برخوردار می باشند. ولی از طرف دیگر در روستای بدخشان فامیلها با یکدیگر همکاری ومشارکت می کنند تا دختران متملم در مسیر رفتن به مکتب با یکی از مردان ویا پسران مورد اعتماد روستا همراه باشند و بدین ترتیب آنها دختران خودشان را اجازه رفتن به مکتب می دهند و هیچگاه فاصله دورمکتب ویا مسایل امنیتی را بهانه قرار نمی دهند.

این تحقیق همچنین نشان می دهد که همسالان و اشخاص الگو نقش مهمی را در تصمیم گیری درمورد کار و مکتب اطفال بازی می کند و اطفال به شدت تحت تاثیر همسالان وهم بازی هایشان قرار دارند و اگر اکثر دوستان واقاربشان به کار مشغول باشند، آنها هم انگیزه کمتری برای تعلیم از خودشان نشان می دهند و به طریقی مشابه فامیلها هم به الگوهای موجود در شبکه اجتماعی خودشان تمایل دارند و در فرستادن اطفال خودشان به کار و یا مکتب از آنها تقلید می کنند. دانستن نقش مثبت یک شخص الگو که از طریق تعلیم به کسب موفقیتهای فراوانی نایل شده باشد، برای بسیاری از خانواده ها عامل تعیین کننده در تصمیم گیری برای تعلیم اطفالشان می باشد. قابل توجه است که برخی فامیلها که مانع کار فرزندانشان می شوند خودشان را به عنوان الگو برای سایر مردم در اجتماعشان می بینند. همانطوری که یک پاسخگو می گوید، حتی ظهور یک الگوی واحد در یک اجتماع می تواند اثرات زیادی را ایجاد نماید که باعث تغییر در برداشت مردم نسبت به کسب موفقیت از طریق تعلیم و تربیه شود.

لذت ببرند. البته این تفاوت بدلیل بافت سالم اجتماعی ساحات روستایی می باشد و در آنجا والدین اطفال هم نسبت به یکدیگر درمقایسه با همتایان شهری خودشان از اتحاد و اعتماد بیشتری برخوردار می باشند. هنگامی که برخی از فامیلها بدلیل ترس از سلامت اطفالشان آنها را به کار می گمارند تا مشغولیت سالم داشته باشند، درمقابل آنها می که تصمیم گرفته اند اطفالشان را به کار نفرستند، تاکید داشته اند که بدلیل محیط ناسالم کار و ترس از خطرات جسمی و اخلاقی نمی خواهند اطفالشان را به کار گمارند. بنابراین برای این دسته از والدین، مکتب محیط سالم محسوب می شود تا اطفالشان درس خوانده و با همسالانشان بازی کنند. ملاحظاتی ذیل از دو فامیل در کابل، این تفاوت برداشت از خطر را به تصویر می کشد:

و حید وقتی طفل بود، بسیار شوخ و سرکش بود. او همیشه گودی پیران بازی می کرد، سر دیوارها بلند می شد و همیشه بالای پشت بامها بود. پس ما تصمیم گرفتیم که او را در یک جایی سرکار روان کنیم تا به خودش صدمه نزند.

- مادری از شهر کابل که از کار اطفال حمایت می کند.

من فکر می کنم کسانی که اطفالشان را بخاطر کار به بیرون از خانه روان می کنند، آدمهای احمقی هستند بخاطر اینکه اطفالشان کارهای بد را در بیرون خانه یاد می گیرند و با دوستان بد و ناباب آشنا می شوند که آنها را به راههای بد می برند و در نتیجه این کارها اثرات بدی دارد.

- پدری از شهر کابل که مخالف کار اطفال می باشد

۷.۱. دختران

تصمیم گیری در رابطه به تخصیص اوقات اطفال در افغانستان به طور گسترده ای تحت تاثیر جنسیت اجتماعی قرار دارد. برای اکثر فامیلها صدماتی که حضور و کار دختران در مراکز عامه به شهرت و آبروی خانواده وارد می آورد، بسیار بیشتر از مفاد مالی و اقتصادی می باشد که در صورت کار دخترانشان عاید آنها می شود. به همین گونه، وقتی دختران به سن بلوغ می رسند به خاطر نورمها و قواعد اجتماعی حاکم بر جنسیت از ادامه تحصیلات منع می شوند. برخی مطالعات نشان می دهد که فامیلها کمترین استفاده را از تعلیم و تحصیل دخترانشان می بینند، بخاطر اینکه آنها ازدواج می کنند و از خانه پدری شان بیرون می شوند.

یک روز دختران باید به خانه شوهرانشان بروند، پس اگر ما بخاطر تحصیلات آنها پولی مصرف کنیم چه چیزی از آن نصیب ما خواهد شد؟ بنابراین بهتر است تا آنها را در خانه نگهداری کنیم تا کارهای خانگی را انجام دهند.

- پدری از شهر هرات که مدافع کار اطفال می باشد

اگرچه احتمال کمتری وجود دارد که دختران بخاطر کار در خارج منزل گماشته شوند، ولی بازم آنها بیشتر در معرض خطر محروم شدن از حقوق تعلیم و تربیه خودشان قرار دارند و باید برای ساعتهای طولانی در خانه پدری ویا شوهر خودشان کارهای خانگی (و بدون پرداخت) را انجام دهند. در تمام مکانهای تحقیق ما دختران هر دو گونه کار با معاش و بدون معاش از قبیل قالین بافی و پیسته شکنی را انجام می دادند و در برخی موارد در شهرهای کابل

خانواده در امر سرمایه گذاری برای تعلیم و تربیه شود. با توجه به اهمیت شهرت و موقعیت اجتماعی در بسیاری از اجتماعات افغانها، تغییر ارزشها و نورمهای اجتماعی از کار اطفال به تعلیم و تربیه آنها می تواند به عنوان یک استراتژی کلیدی برای کاهش کار اطفال مورد استفاده قرار بگیرد. تصمیمی که بوسیله خانواده ها در رابطه با فرزندانشان در قبال تعلیم و تربیه، کار، ویا ترکیبی از هر دو (مکتب و کار) اتخاذ می گردد، متاثر از عوامل مختلف می باشد که شامل احتیاجات اقتصادی، ترکیب و تعداد جمعیت خانواده ها، کیفیت و دستاوردهای بالقوه تعلیم و تربیه و نورمها و ارزشهای اجتماعی می باشد. استراتژی هایی که به منظور کاهش میزان کار اطفال به کار گرفته می شوند، باید چند جانبه باشند که شامل اقدامات در سطح کلان و همچنین برخوردهای هدفمند با خود اطفال، خانواده هایشان و اجتماعات مردمی را نیز شامل شوند.

اگر یک ویا دو نفر از اجتماع ترکمنها به موفقیتی دست پیدا کنند، مثلاً یک داکتر ویا انجینر شوند، بعد از آن سایر مردم ترکمن تحریک می شوند و به مکتب می روند تا آنها هم به موقعیت مشابه دست یابند.

- مادری از یک فامیل در هرات که مدافع کار اطفال می باشد

"آنچه مردم می گویند" اثرات عظیمی بر کلیه فامیلها راجع به تصمیم گیری در قبال فعالیت های اطفال در این تحقیق داشته است. ترس از شایعه پراکنی به عنوان مثال می تواند یک فامیل را وادار نماید که دخترش را از مکتب منع نماید. و برخلاف آن موقعیت برجسته و شهرت حاصل از اینکه خانواده یک تحصیل کرده متخصص باشند، می تواند باعث تشویق یک

۲. اطفال در معرض خطر و چگونگی واکنش به آن

نمودار ذیل از مدل فوربو روستاتی واسکات لیون گرفته شده است، ۳ که چارچوب مفهومی مفیدی را فراهم نموده است تا بتوان بوسیله آن سطوح خطرات متوجه اطفال کارگر و تقابلاً اعمال ضروری مربوط به آن را مورد ارزیابی قرار داد. در راس قاعده هرم، اطفالی هستند که در بدترین شکل کار مشغول می باشند که در کنوانسیون بدترین شکل کار اطفال سازمان بین المللی کار تعریف شده است و اعمالی چون تن فروشی (فروش سکس)، قاچاق مواد مخدر و یا مشارکت در منازعات مسلحانه را شامل می شود. ۴ به خاطر مخفی بودن و ناپسند بودن این گونه فعالیتها، معلومات بسیار کمی راجع به چنین واقعات و چگونگی شامل شدن اطفال در آن در شرایط خاص افغانستان وجود دارد. ۵. فعالیت هایی که به عنوان بدترین شکل کار اطفال قلمداد می شوند، ناقض بنیادی ترین و اساسی ترین حقوق بشری اطفال به شمار می رود و باید در اسرع وقت محو شوند. حقوق بین الملل در این زمینه چنین حکم می کند: « اطفالی که در اینگونه فعالیتها گرفتار هستند، باید به زود ترین فرصت رها شده و برای درمان و بازگرداندن مجدد آنها به جامعه می بایست خدمات اجتماعی ضروری برایشان فراهم گردد.» ۶ در حال حاضر نه معلومات قابل اتکاء و دقیق راجع به گسترده گی و نوعیت گرفتاری اطفال در اشکال متنوع چنین فعالیتها وجود دارد و نه آگاهی لازم در مورد چگونگی شناسایی و واکنش به اینگونه موارد در سطح محلی و ملی

اطفال کارگر به خاطر کارشان در معرض دامنه ای از خطرات جسمی و روانی قرار می گیرند. برخی از اطفال دوبرابر ساعات کاری که برای بزرگسالان در نظر گرفته شده است، کار می کنند-که غالباً فعالیت های جسمی را انجام می دهند که باعث جراحت و زخمی شدن می شود- و بسیاری از آنها توسط کارفرمایان و حتی پولیس مورد سوء استفاده قرار می گیرند؛ به عنوان مثال کودکان کارگر سر سرک.

در حالی که تمامی اشکال کار اطفال به نوعی شامل خطرانی می باشند، ولی ماهیت و شدت خطر وابسته به نوع کار آنها است، مثلاً اطفال کارگر جاده ها در نواحی شهری و مناطق سرحدی در مقایسه با اطفال کارگر در کارهای زراعتی واقع در قریه جات و روستاها، ممکن است در خطر بیشتر آزار و اذیت و سوء استفاده های جنسی قرار گیرند. افزون بر این، دامنه شدت و صدمات درازمدت ناشی از کار اطفال برای سلامتی آنها به نوع کاری که آنها انجام می دهند، خطرانی که در محیط کار وجود دارد و نوعیت محیط کار و محل زنده گی طفل بستگی دارد. به عنوان مثال یک شاگرد مستری در ترمیمگاه در معرض خطرات میکابیک و سقوط لوازم و اشیاء موثرها قرار دارد، ولی می تواند با نظارت کامل یک صاحب کار دلسوز، در معرض صدمات فیزیکی یا روانی درازمدت کمتری قرار گیرد.

حضور اجتماعی می تواند یک عامل مهم برای کاهش خطرات ناشی از کار اطفال باشد. اطفالی که قادر به پیش بردن هم زمان کار و مکتب هستند، فرصتهایی را دارند که هم سواد بیاموزند و هم مهارت و تجربه کاری بدست آورند و همچنین از طریق تعاملات با هم صنفی ها ی خودشان عزت نفس و مهارتهای زنده گی را کسب نمایند. توانایی اطفال کارگر برای دسترسی و یادگیری در مکتب یکی از عاملهای مهمی است که خطر وارد آمدن صدمات درازمدت بر آنها را از بین می برد. ۲

Furio Rosati and Scott Lyon, "Tackling Child Labour: Policy Options for Achieving Sustainable Reductions in Children at (Work)" (Rome: Understanding Children's Work, ۲۰۰۶).

"برخورد با کار اطفال: گزینه های سیاستگذاری برای دسترسی به کاهش پایدار در کار اطفال" (روم: فهم کار اطفال، سال ۱۳۸۸)

۳ . روستاتی و لیون "برخورد با کار اطفال"

۴ . کنوانسیون شماره ۱۸۲ سال ۱۳۸۸ راجع به ممنوعیت کار اطفال و اقدامات فوری برای امحای بدترین اشکال کار اطفال، وابسته به سازمان بین المللی کار

۵ . مطالعات و تحقیقات بعدی که بوسیله سازمان اکشن اید (Action Aid) در مورد کار اطفال در منطقه اسلام قلعه هرات در مرز با ایران انجام گرفت ویا مطالعاتی که در مرز تورخم در ولایت ننگرهار ویا قندهار صورت گرفت، همه حاکی از این است که با مشکلات مشابهی از قبیل نا مشخص بودن واقعات کارهای خطرناک و سوء استفاده های جنسی از اطفال برخورد کرده اند.

۶ . بر طبق یک مصاحبه ای که نویسنده در سال ۱۳۸۷ با دفتر سازمان بین المللی کار در افغانستان انجام داده است، مشخص شد که دولت افغانستان قرار است که کنوانسیون حداقل معاش برای استخدام و کنوانسیون راجع به بدترین شکل کار اطفال را در آینده نزدیک به تصویب می رساند.

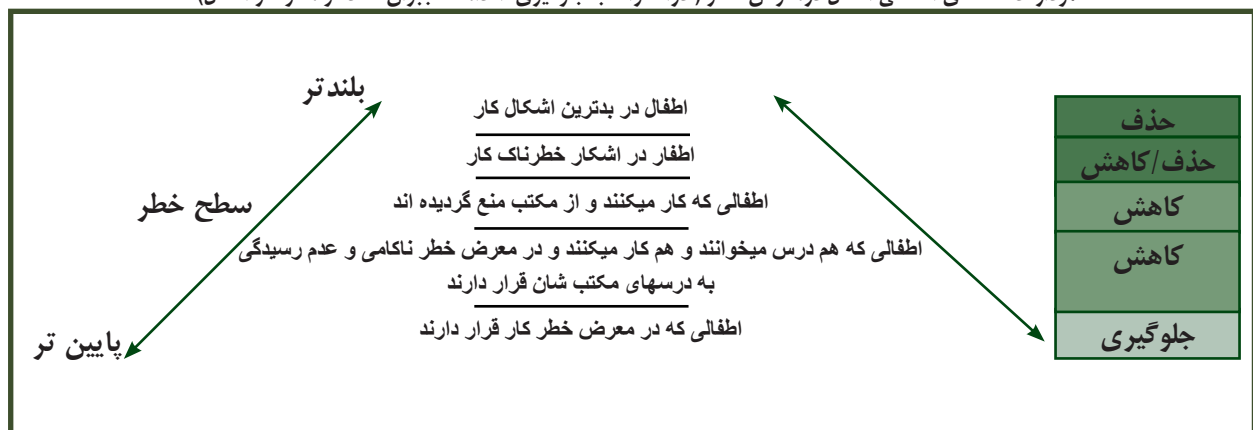
اقتصادی گرفتار نماید. به منظور پایداری وثبات رفاه اطفال، می بایست تمامی مداخلات برای امحاء و کاهش خطر با مشارکت خانواده ها همراه باشد (شامل والدین طبیعی ویا سایر کسانی که وظیفه حمایت از آنها را دارند.)

آنچه ضروری و لازم به نظر می رسد این است که اقدامات پیشگیرانه موثری که اطفال و خانواده های آنها را از خطر کار اطفال در آینده مصون نگه می دارد، باید چنین واقعات را در بلندمدت کاهش دهد. واقعیت این است که خانواده هایی هم که مانع کار فرزندانشان می شوند، بسیار آسیب پذیر می باشند و ممکن است در صورت وقوع شرایط غیر قابل پیش بینی، مجبور شوند که اطفال خودشان را به کار وادار نمایند.

بنابراین یک استراتژی کلیدی برای تقویت مقاومت آن دسته از خانواده هایی که در معرض خطر قرار دارند این است که باید توانمندیهای مالی، فیزیکی و نیروی کاری آنها افزایش یابد، زیرا با تقویت و بهبود معیشت خانواده های

وجود دارد. بنابراین باید سعی شود که دروهله اول آگاهی مردم در این زمینه ارتقاء یابد و همزمان معلومات لازم توسط ادارات دولتی محلی و ملی و همچنین توسط سازمانهای غیردولتی گردآوری شود. احتمالاً نظارت توسط اجتماعات مردمی و افراد عادی جامعه یکی از بهترین و موثرترین شیوه های شناسایی چنین قضایا به شمار می رود و مهم تر از همه اینکه بخاطر قبح اجتماعی و نفرت مردم نسبت به چنین قضایایی برای رسیده گی به آنها باید با حساسیت ویژه برخورد شود تا محرمیت و سلامت جسمی و روانی اطفال تحت حمایت قرار گیرد. تمام قضایای مربوط به کار اطفال در این تحقیق در دسته میانی اطفال در معرض خطر قرار می گیرند، به شمول اطفالی که در کارهای خطرناک مشغول می باشند، اطفال کارگری که از تحصیل بازمانده اند و همچنین اطفال کارگری که تعلیم و یادگیری آنها در مکتب بدلیل ترک تحصیل زودهنگام آنها در معرض خطر قرار می گیرد.

نمودار: دسته های اساسی اطفال در معرض خطر (در اشتراک با جلوگیری، اقدامات جبران کننده و محو کار اطفال)



فقیر احتمال اینکه آنان از نیروی کار اطفالشان به عنوان یک جایگزین برای برخورد با مشکلات اقتصادی خودشان استفاده نمایند، کاهش می یابد.

بهبود کیفیت و دسترسی به تعلیم و تربیه، یکی دیگر از اقدامات پیش گیرانه ضروری به شمار می آید، چنانکه یافته های تحقیقاتی ما نشان می دهد، اطفالی که در مکاتب خودشان معلم با سواد ویا تجربه داشته و در یک محیط آموزشی شاگرد-محور و مشارکتی قرار دارند، به احتمال بسیار زیاد محیط مکتب خودشان را براشتغال به کار ترجیح می دهند و والدین آنها هم اگر مفاد و عایدات ملموسی را در تعلیم فرزندانشان مشاهده نمایند، حضور و مشارکت اطفال شان را در مکاتب حمایت می نمایند. در نهایت اجتماعات مردمی نیز نقش اساسی در جلوگیری کار اطفال به عهده دارند؛ چون معمولاً خانواده ها در تصمیم گیری خودشان در مورد کار و تعلیم فرزندانشان تحت تاثیر شرایط و محیط غالب محل زنده گی خودشان هستند، بنابراین تغییر نورمها و ارزشهای اجتماعات مردمی در برخورد با کار اطفال به صورت دراز مدت می تواند تاثیرات فوق العاده ای در کاهش کار اطفال داشته باشد.

بنابراین برای رسیدگی و واکنش به کار اطفال در افغانستان، باید نوع مداخلات چند جانبه باشد و در سطوح مختلف صورت گیرد تا بتواند اهداف مبنی بر پیشگیری، کاهش و در نهایت محو کلی کار اطفال را شامل شود. استفاده از یک چارچوب مفهومی که دربرگیرنده اقدامات مقتضی برای سطوح مختلف خطرات باشد، نهادها و سازمانهای مسئول را قادر می سازد

در صورتی که خواسته های آرمانی این است که نباید اطفال کار کنند و تمام اشکال کار آنها باید از بین برود، ولی شرایط اجتماعی و اقتصادی خاص حاکم در افغانستان ایجاب می نماید که یک روش کاهش خطر در محیط کار مدنظر قرار گرفته شود. بنابراین با پذیرش این واقعیت که تعدادی از اطفال به هر طریقی و به صورت کوتاه مدت ویا میان مدت مشغول به کار هستند، برای ایمن سازی محیط کار و کاهش خطر شرایط کاری برای اطفال کارگر، می بایست مداخلاتی از سوی ارگانهای مسئول در این زمینه صورت بگیرد. اقدامات جبران کننده می تواند شامل بهبود شرایط کاری برای اطفال، تامین دسترسی اطفال به تعلیم و تربیه و حمایت از آنها برای دستیابی به اهداف یادگیری شود. علی رغم تمام این اقدامات، بازممکن است که بعضی از کارها از نظر سلامت جسمی و روانی، برای اطفال کارگر بسیار خطرناک باشند که می بایست حتماً از بین برده شوند.

در مورد اینکه آیا در زمینه مقابله با کار اطفال باید اولویت در امحاء و از بین بردن نوع کار باشد ویا کاهش شرایط خطرناک آن، بهتر است که به شرایط خاص و موقعیت خود طفل و خانواده وی توجه شود، ولی به هر صورت مداخلات جبران کننده نباید منتج به مشروعیت یافتن آن دسته از کارهایی شود که برای پیشرفت و انکشاف طفل مضر می باشند. از طرف دیگر، ممانعت از کار اطفال از طریق اقدامات فوری نباید طفل را در معرض خطر بعدی قرار دهد، یعنی اینکه طفل و خانواده اش را در شرایط شدید محرومیت

گردند.^۷ ولی به منظور ایجاد یک نظام چند سکتوری برای برخورد با کار اطفال، چنین اقداماتی باید تقویت شده و گسترش یابند تا بتوان سایر نهادهای مسئول و بخشهای وابسته را نیز در این راستا درگیر ساخت.

بخش بعدی شامل پیشنهادات معین برای دولت افغانستان و سازمانهای تطبیق کننده راجع به جلوگیری، تخفیف و امحای کار اطفال می باشد. این پیشنهادات لزوماً چند سکتوری و مرتبط به اطفال، خانواده ها، اجتماعات مردمی و محیط سیاست گذاری می باشد. بنابراین یک پاسخ موثر به کار اطفال در افغانستان حتماً باید هماهنگ شده باشد.

^۷ - CPAN شبکه ای از سازمانهای حمایت اطفال می باشد که یونیسف وزارت کار،

امور اجتماعی و شهدهاء و معلومین فراهم کننده تسهیلات برای آن می باشد. اکنون این شبکه در ۲۸ ولایت و مرکز کابل نماینده گی دارد و پلان است که ۴۳ نماینده گی در سطح ولسوالی ها در سال ۱۳۸۸ ایجاد شود

۳. نتیجه گیری و توصیه ها

می گردد. تاسیس چنین مراکزی یک گام رو به جلو برای تضمین برخی از اشکال یادگیری مداوم برای اطفال کارگر پنداشته می شود. چنین مراکزی فقط می توانند تعداد کمی از اطفال را تحت پوشش قرار دهد و به شدت وابسته به تمویل مالی بوده و تداوم کارشان غیر قابل پیش بینی است. نباید فراموش کرد که پایداری در آموزش هم یک نگرانی جدی محسوب می شود، متأسفانه همه مراکز آموزشی هدف آماده سازی اطفال کارگر برای شامل سازی نهایی آنان به سیستم تعلیم و تربیه را ندارند و در برخی موارد حتی اثرات منفی از خود به جای می گذارند. ۹ و البته همه اطفال کارگر ممکن است که نتوانند و یا تمایل نداشته باشند که دوباره به نظام رسمی تعلیم و تربیه وارد شوند. بحث ها و گفتگو ها بین سازمانهای تطبیق کننده و ارگانهای دولت افغانستان - از قبیل وزارت معارف و وزارت کار، امور اجتماعی، شهدهاء و معلولین - ضروری می باشد تا یک استراتژی مشخص و منعطف را برای اقداماتشان در نظر بگیرند تا بتوانند به شکل مناسب منافع اطفال در معرض خطر کار و همچنین آنها را که قبلاً شامل کار شده اند، را در نظر بگیرند.

توصیه ها برای دولت افغانستان:

- بهبود کیفیت و دسترسی به تعلیم و تربیه ابتدایی همانطوری که در پلان استراتژی یک دولت افغانستان مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه گذاری در زمینه ارتقای سطح دانش معلمان در موضوعات تدریسی و شیوه های آموزشی با تاکید ویژه بر محیط آموزشی مشارکتی، فراگیر و شاگرد-محور در برنامه های تعلیمی معلمان. با توجه به موانع متعدد برای دختران و اطفال گروههای اقلیت زبانی و قومی باید به آنها توجه ویژه صورت گیرد.
- رهبری پروژه ایجاد استراتژی بهبود دسترسی اطفال کارگر به تعلیم و تربیه و تضمین اینکه اطفال کارگر گروه معینی هستند که مورد

که بهتر بتوانند اقدامات خودشان در برخورد با چنین قضایایی را اولویت بندی نموده و هماهنگ سازند. انعکاس مسئله کار اطفال در آجندای ملی - همانطوری که در استراتژی انکشاف ملی افغانستان و پالیسی و استراتژی آینده اشتغال گنجانیده شده است - نشان دهنده آگاهی و تعهدات مهم سیاسی نسبت به این موضوع می باشد؛ هر چند واکنش و رسیدگی به کار اطفال بخاطر کم اثر بودن هماهنگی بین بخش دولتی، سازمانهای تمویل کننده مالی و سازمانهای غیر دولتی، به طور پراکنده صورت گرفته است.

در حال حاضر به یک استراتژی جامع که دربرگیرنده اهداف پیشگیری، کاهش اثرات خطر و امحای کار اطفال باشد، ضرورت است تا اقدامات دولتی و سایر سازمانهای تطبیق کننده را در سطوح خانواده گی، مردمی و ملی یکپارچه نماید. مثالی از مکانیزمهای هماهنگ کننده مانند شبکه حمایت عملی از اطفال، گامهای مثبت رو به جلو محسوب می

۳.۱. بهبود کیفیت و دسترسی به تعلیم و تربیه

یافته های این تحقیق به وضوح، تاثیرات کیفیت و دسترسی به تعلیم و تربیه بر تصمیم گیری خانواده ها در مورد کار اطفال را به نمایش می گذارد. بهبود کیفیت تعلیم و تربیه برای جلوگیری از کار اطفال بسیار حیاتی می باشد؛ به طوری که اگر خانواده ها تصور مثبتی از دستاوردهای تعلیمی فرزندان شان داشته باشند به احتمال بسیار زیاد آنها را از کار بازداشته و به سوی تعلیم و تربیه رهنمون می سازند. افزایش دسترسی به خدمات تعلیمی برای آن دسته از اطفالی که قبلاً شامل بازار کار شده اند، یک اقدام جبران کننده مهم می باشد تا مانع کار تمام وقت اطفال گردیده، اثرات مضر ناشی از کار را کاهش داده و یادگیری مداوم را تضمین نماید. این تحقیق همچنین اشاره به این دارد که دختران و اطفال اقلیتهای قومی در دسترسی به تعلیم و تربیه با چالشهای مشخصی روبرو هستند و نیاز به حمایتهای ویژه دارند تا بتوانند در مکتب مانده و از کار در امان باشند.

موضوعات کیفیت و دسترسی به تعلیم و تربیه مناسب در پلان استراتژی تعلیم و تربیه افغانستان مورد بحث قرار گرفته است (NESP). در این پلان به طور مشخص دختران، اطفال کوچی ها، اطفالی که دارای ناتوانی های آموزشی هستند، اطفال قبل از سن مکتب و اطفالی که سال اول شامل شدن در مکتب را از دست داده اند، مورد تاکید قرار گرفته اند، هر چند که در مورد پاسخ گویی به احتیاجات مشخص اطفال کارگر هیچگونه اشاره ای نشده است. ۸

اقدامات هدفمند به منظور فراهم آوری خدمات آموزشی برای اطفال کارگر تنها بوسیله تعداد اندکی از سازمانهای غیردولتی که عمدتاً در کابل و شهرهای عمده تمرکز یافته اند، اتخاذ گردیده است و خدمات آنها شامل کورسهای یادگیری سریع و تعلیمات غیر رسمی می باشد که در دفاتر کارشان آرایه

^۹ . صادق یک شاگرد مستری از قضایای کاری ولایت هرات می باشد. به عنوان مثال از مکتب دولتی خارج شد تا به یک کورس یادگیری سریع اشتراک نماید چون به وی پوشاک و لوازم تعلیمی رایگان پرداخت می شد. بعد از آنکه کورس بعد از ۲ ماه تمام می شود صادق باید برای سال دیگر انتظار بکشد تا شامل مکتب شود.

^۸ . پلان استراتژی برای انکشاف ملی افغانستان در حال حاضر در دست تجدید نظر قرار دارد تا اصل شامل سازی را دربرگیرد که در صورت اصلاح تاکید بر نظام تعلیمی دارد که نیازهای مختلف تمام اطفال را برآورده سازد. بخصوص اطفالی که از دایره شمول خارج بوده و یا به حاشیه رانده شده اند به شمول اطفال کارگر

- باید تضمین شود که در تمامی فعالیتهای تعلیمی مردمی، سهیم سازی و نیازهای ویژه اطفال کارگر اولویت بندی می شوند. شامل سازی اطفال، والدین و رهبران اجتماعات مردمی برای تعیین تقویم تحصیلی سالانه و ساعات درسی برای صنوف، براساس موقعیت محلی و در نظر گرفتن نیازهای اطفالی که کار می کنند. در بسیج نمودن اجتماعات مردمی و فعالیتهای آموزشی معلمین، باید بر روی اهمیت شناسایی نیازهای اطفال کارگر تاکید ویژه صورت بگیرد و انعطاف و تعهدات برای برآوردن آن احتیاجات تشویق گردد. ۱۳
- فراهم آوری مواد تعلیمی از قبیل کتابچه و قرطاسیه برای اطفال کارگری که به خاطر مصارف تعلیم و تربیه در خطر فرستاده شدن به بازار کار می باشند. ۱۴

فراهم آوری فرصتهای ارتقای مهارتها و تعلیم و تربیه غیررسمی برای اطفال کارگری که بالای ۱۵ سال عمر دارند و به دلیل عدم تمایل و یا عدم توانایی نمی توانند در مکاتب رسمی شامل شوند. باید با وزارت معارف، وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین و (NSDP) هماهنگی صورت گیرد تا برای کورسهای ارتقای مهارتها و تعلیم و تربیه غیررسمی یک نصاب واحد طراحی و همچنین نسبت به تطبیق آن کنترل صورت گیرد. باید فرصتهای کاری در بازار کار محلی مورد بررسی قرار گیرد تا فرصتهای مناسب تولیدی و ارتقای مهارتها برای جوانان دختر و پسر شناسایی شود. و علاوه بر این، در جاهایی که مناسب می باشد، باید با تولید کننده گان محلی ارتباط گرفته شود تا فرصتهای شاگردی و یادگیری در ضمن کار فراهم شود.

۲.۳. فراهم آوری فرصتهای معیشتی و دستاوردها برای خانواده های فقیر

فقری که به علل کم یابی، استخدام با معاش کم و مصارف بالای زنده گی همراه باشد، یکی از انگیزه ها و سبب های اصلی کار اطفال می باشد. بر طبق یافته های این تحقیق کمک اقتصادی اطفال کارگر در برخی موارد برای بقای حیات خانواده بسیار ضروری می باشد و این بدین معنی است که چنین اطفالی نمی توانند که کار نکنند و به مکتب رفته و تعلیم و تربیه خودشان را تعقیب نمایند. افزون بر این، حتی خانواده هایی که اطفال خودشان را به کار وادار نمی کنند بسیار آسیب پذیر هستند و هرگاه تحت شرایط دشوار قرار بگیرند، مثلاً نان آور خانواده مریض شود و یا فوت نماید، کار اطفال اجباری می شود. بنابراین تقویت سطح معیشت خانواده های فقیر دارای دو کارکرد است: یعنی هم اقدام جبران کننده به حساب می آید و هم اقدام پیش گیرانه؛ به این معنی که اطفال کارگر می توانند به مکاتب برگردند و درس خودشان را شروع نمایند، در حالی که اطفال غیر کارگر در معرض خطر کمتری برای ترک تحصیل قرار می گیرند. به خصوص فراهم آوری شرایط کار برای زنان بزرگسال البته با در نظر داشت مسایل فرهنگی می تواند نیاز به کار اطفال را کاهش دهد، ولی آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که

توجه پلان استراتژیک ملی بازبینی شده برای افغانستان می باشند. ب توصیه می شود که از مکاتب فراگیر آزمایشی در کابل به منظور ساختن استراتژی هایی برای شامل سازی اطفال کارگر در مکاتب استفاده کند. ۱۰ به عنوان مثال طراحی صنوف درسی با تقسیم اوقات منعطف برای آن دسته از اطفال کارگری که در اوقات رسمی حاضر شده نمی توانند و فراهم کردن حمایت های جبرانی در داخل صنف برای اطفالی که نتوانسته اند کارهای خانگی شان را انجام دهند. ۱۱

- افزایش میزان نام نویسی از یک نوبت به دو نوبت در یک سال تا اطفال کارگر به راحتی بتوانند وارد نظام تعلیمی رسمی شوند. ۱۲
- افزایش فرصتهای آموزش مهارتها و حرفه ها برای اطفال کارگری که بالای ۱۵ سال عمر دارند و نمی توانند و یا تمایل به تعقیب تعلیمات در مکاتب نمی باشند. شامل سازی اطفال کارگر بالای ۱۵ سال به عنوان یک هدف معین برای آموزشها و تعلیمات فنی و حرفه ای و همچنین سواد آموزی و تعلیمات غیر رسمی در بازبینی پلان استراتژیک انکشاف ملی دولت افغانستان. به منظور دستیابی اطفال به مهارتهای اساسی برای زنده گی شان به خصوص سواد آموزی باید با برنامه ملی مشارکت جوانان هماهنگی صورت گیرد، بخصوص با مراکز مشاوره و معلومات جوانان که بوسیله دفتر صندوق وجهی ملل متحد تاسیس شده است، همچنین دفتر جمعیت ملل متحد و برنامه انکشاف مهارتهای ملی

توصیه های برای سازمانهای تطبیق کننده:

- تمامی اقدامات و مداخلات برای اطفال کارگر باید مناسب و براساس شرایط عمر آنان باشد. باید به ادغام اطفالی که شایسته راهیابی به مکاتب ابتدایی هستند، در مکاتب دولتی و مردمی اولویت داده شود. فراهم آوری صنوف یادگیری سریع به منظور شامل سازی اطفال در نظام تعلیمی رسمی، به عنوان مثال بجای تدویر صنوف در مراکز تخصصی ویژه بهتر است که در مکاتب دولتی و یا مردمی چنین صنوفی برگزار گردند.

Terje Watterdal, Needs and Rights Assessment: Inclusive Education in Afghanistan, (UNESCO forthcoming). Inclusive education refers to an approach that ensures all children, in particular those who are vulnerable to marginalisation and exclusion, have access to quality education that meets children's diverse needs

”ترجه واتردال، ارزیابی نیازها و حقوق: شامل سازی تعلیم و تربیه در افغانستان، (یونسکو - آماده). تعلیم و تربیه شامل، به رویکردی اطلاق می گردد که دسترسی و کیفیت تعلیم و تربیه و نیازهای متنوع اطفال را برای همه کسانی که آسیب پذیر هستند و به حاشیه رانده شده است فراهم نماید.

۱۱ . متعلمین صنوف بالاتر میتوانند به عنوان دستیار معلم ایفای وظیفه نمایند با توجه به این واقعیت که تعداد زیاد متعلمین در صنوف برای معلمین خسته کننده بوده و نمی تواند به همه نیازها پاسخ گوید. برنامه مشترک ملی جوانان که تبلیغ کننده مشارکت رضایت طلبانه آنان می باشد می تواند منبع خوبی برای حمایت داخل صنوف به حساب آید.

۱۲ Aschiana, an Afghan NGO and member of the Child Rights Consortium, has led advocacy efforts to facilitate enrollment of working children in government schools

آشیانه، یک سازمان غیر دولتی و عضو کنسرسیوم حقوق اطفال می باشد که تلاشها و مساعی فراوانی به خرج داده است تا زمینه نام نویسی و تعلیم را برای اطفال کارگر در مکاتب دولتی فراهم نماید.

۱۳ . به عنوان مثال در صنوف مکاتب مردمی که در بدخشان توسط بنیاد آغا خان اداره می شود، رهبران اجتماعات مردمی با مسدولین مکاتب مذاکره نموده اند که در زمانی که کارهای زراعت زیاد بوده و نیاز به نیروی کار است ساعات مکاتب کمتر باشد و در مقابل در زمانی که کارها کمتر است ساعات زیادتری به مکاتب اختصاص داده شود.

۱۴ . اغلب مکاتب مردمی تقریباً کلیه مواد آموزشی و تعلیمی را برای متعلمین فراهم می نمایند تا موانع شامل شدن به مکتب را کاهش دهند.

- مداخلات انکشاف تجارت و مهارتها را همراه با کورسهای سواد آموزی برای اعضای خانواده ها تکمیل نمایند تا شامل شدن بالقوه به تعلیم و تربیه و تعهد به آن افزایش یابد.
- از مداخلات معیشتی به عنوان یک نقطه شروع استفاده نمایید، تا خانواده ها را در رابطه با تصمیم گیری راجع به تخصیص منابع کار، بخصوص نیروی کار اطفال و جوانان شامل سازید. به خانواده ها کمک نمایید تا اطفالشان را دوباره درمکاتب نام نویسی نمایند و راههای دیگر تمویل مالی برای خانواده ها را شناسایی کنید، بخصوص از طریق فرصتهای استخدامی برای زنان تا بتوان از این طریق خسارت نیروی کار اطفال را جبران کرد.

۳.۳.۳. اجتماعات مردمی را برای تغییر نورمها و رفتارهای جمعی آنان در قبال کار اطفال سهیم سازید

یافته های مقایسوی از قضایای تحت مطالعه در نواحی روستایی بدخشان و اجتماع مردم اسلام قلعه در مرزهرات به طور خاص نشان دهنده اهمیت آگاهی یکپارچه و بسیج توده ای برای کاهش و تنظیم کار اطفال می باشد. سرمایه گذاری در شبکه قوی و قدرتمندی از رهبران اجتماعات محل، ریش سفیدان، معلمان، کارفرمایان و اعضای خانواده ها برای درک و رسیدگی به موضوع کار اطفال بسیار حیاتی می باشد، بویژه اینکه اغلب اطفال کارگر به صورت مخفی در خانه ها و یا در اقتصاد غیر رسمی مشغول به کار می باشند. اعضای اجتماعات مردمی با دانش و آگاهی دقیقشان نسبت به نورمهای محلی، منابع و نیازها، بهترین منبع برای شناسایی اشکال خطرناک کار اطفال، بخصوص بدترین شکل کار آنها که در جامعه لکه ننگ محسوب می شود، به شمار می روند، که البته همیشه ازدید افراد خارج از اجتماعات محلی پوشیده می ماند. اعضای اجتماعات مردمی، همچنین نقش مهمی در نظارت بر حاضری متعلمین درمکاتب بازی می کنند و در برخورد با خانواده هایی که اطفالشان شامل مکتب نمی باشند و یا بخاطر اشتغال به کار به حاشیه رانده شده اند، نقش مهمی به عهده دارند. ۱۵ در صورت فقدان حمایت اجتماعی موثر بوسیله دولت، اجتماعات می توانند شبکه های تامین امنیت اجتماعی را برای خانواده های آسیب پذیر بوجود آورند و در این صورت است که خانواده های فقیر می توانند با داشتن شبکه های قدرتمند اجتماعی، با فشارهای غیر قابل پیش بینی اقتصادی وغیره، بدون اینکه به نیروی کار اطفالشان متوسل شوند، به صورت موثر برخورد نمایند. برعکس آن، درجایی که اجتماعات مردمی از یکپارچگی کمتری برخوردارند و کار اطفال را بر رفتن به مکتب ترجیح می دهند (همانطوری که در مطالعه موردی مربوط به روستایی در مرز اسلام قلعه دیده شد)، خانواده ها به احتمال زیاد از کار اطفال حمایت می نمایند. قدرت نورمها و قاعده های اجتماعی پیشنهاد می نماید که تغییر ارزشهای اجتماع از پذیرش کار به سوی پذیرش مکتب به طور قابل توجهی می تواند کار اطفال را کاهش داده و بالعکس حاضری درمکاتب را افزایش دهد. الگوهای مثبت از خانواده های فقیر که راههایی را یافته اند تا اطفال خودشان را از محیط کار به

نباید فشار کارهای خانگی به عهده دختران خرد سال خانواده تحمیل گردد.

پلان استراتژی انکشاف ملی افغانستان، براهمیت استراتژی انکشاف اقتصادی به نفع فقرا تاکید ویژه نموده است. هنوز خانواده هایی که با فقدان سرمایه های اقتصادی، اجتماعی و نیروی کار مواجه هستند، دقیقاً همانهایی هستند که از کار اطفال استفاده می نمایند و یا در معرض خطر استفاده از کار اطفال قرار دارند و چنین خانواده هایی متأسفانه به صورت مداوم فرصتهای انکشاف مهارتها و تجارت را از دست می دهند. واقعیت این است که بیشتر اداراتی که قرضه های کوچک فراهم می آورند و همچنین آموزشهای حرفوی و کورسهای انکشاف فرصتهای تجارتی آرایه می نمایند، همه دارای مقرراتی هستند که خانواده های آسیب پذیر را به دلیل نگرانی از بازپرداخت سرمایه گذاری از خدمات خودشان خارج می سازند. پس به خاطر اینکه بتوان به چنین خانواده های آسیب پذیری کمک نمود، سازمانهای تمویل کننده باید آماده پذیرش خطرات بیشتری در وقت منابع سرمایه گذاری خودشان باشند. علاوه بر این اهداف حمایت از اطفال مانند کاهش وجلوگیری از کار اطفال در افغانستان، به طور کافی در فعالیتهای انکشافی مردمی و اقتصادی رایج نشده است. با توجه به ارتباط قوی که بین معیشت و دستاوردهای حمایت از اطفال وجود دارد، دولت، تمویل کننده گان و سازمانهای غیر دولتی فرصت های مهم برای افزایش سطح رفاهی اطفال از طریق تقویت اقتصادی خانواده ها را از دست می دهند.

توصیه های برای دولت افغانستان :

- دولت باید اطمینان حاصل نماید که اقدامات و استراتژی های انکشاف اقتصادی و بهبود سطح معیشت خانواده های آسیب پذیری را مد نظر قرار می دهد که مهارتها و منابع کمتری دارند و به همین دلیل از نیروی کار اطفال خودشان استفاده می کنند و یا اینکه در معرض این خطر قرار دارند.
- دولت باید از تمویل کننده گان حمایت کند تا منابع مالی لازم برای سرمایه گذاری در منابع مالی و انسانی خانواده های آسیب پذیر را تضمین نمایند.

توصیه های برای سازمانهای تطبیق کننده:

- طراحی و تطبیق پروژه های چند سکتوری که شامل اجزای تکمیلی معیشت و حمایت اطفال باشد. استفاده از مداخلات تقویت کننده اقتصادی به عنوان نقطه شروعی برای حمایت اطفال، به شمول کار اطفال و اشتراک درمکاتب. هماهنگی با سایر سازمانها برای تطبیق مشترک پروژه ها با استفاده از تخصص مختلف هر سازمان.
- خانواده های فقیر و آسیب پذیری را مورد توجه قرار دهید که از کار اطفال شان برای برنامه های انکشاف تجارت و مهارتها استفاده می نمایند و یا اینکه در معرض خطر استفاده قرار دارند. سروی محلی برای دریافت بازار کار را انجام دهید تا مهارتهای مورد نیاز بازار را تشخیص داده و توجه ویژه را به فرصتهای با عایدات و درآمد خوب برای زنان میزول داشته و شناسایی نمایید تا بتوان منابع درآمد خانواده ها را متعدد و چند گانه نمود. برای آن دسته از خانواده هایی که توانایی اخذ قرضه های کوچک از نهاد های مالی را ندارند، شبکه ای از گروههای تعاونی (کمک به خود) را ایجاد نمایید.

۱۵ . یکی از نقشهایی که کمیته مدیریت مکاتب تاسیس شده بوسیله فراهم آورده گان تعلیم و تربیه مردمی به عهده دارد این است که به طور مثال از غیر حاضری متعلم نظارت کرده و آن را تعقیب می نماید.

دور نگه دارند، نقش بسیار مهمی را می تواند در این فرایند تغییر بازی نماید.

توصیه هایی برای دولت افغانستان :

میکانیزمهایی را ایجاد نمایید که اجتماعات مردمی را به رگانهای ولسوالی ها و ولایات که مسئولیت رسیدگی به کار اطفال و سایر موضوعات حمایت از آنان را دارند، مرتبط بسازند. مثلاً، شبکه سازمانهای حمایت از اطفال و وزارت کار، امور اجتماعی، هدا و معلولین که ریاست این شبکه را به عهده دارد، اگر در سطح ولسوالی ها و ولایات گسترش یابد، میتواند نقش مهمی را در ماهنگی دولت و سازمانهای غیر دولتی برای رسیدگی به سئله کار اطفال فراهم نماید.^{۱۶}

- یک کمپین آگاهی دهی را درباره اشکال خطرناک و بدترین اشکال کار اطفال سازمان دهی کنید. از رسانه های ارتباط جمعی شامل تلویزیون، رادیو، روزنامه ها و مجلات استفاده نمایید تا درباره چگونگی شناسایی اثرات مخرب کار اطفال و همچنین فراهم آوری معلومات راجع به خدمات موجود در سطح محلی آگاهی دهی نموده و برای نیل بدین مقصد از شخصیتهای تاثیر گذار و موثر در حکومت و جامعه مدنی جهت انتقال این پیامها استفاده نمایید.

- در ساخت و ارتقای بسیج نمودن تخصص و ظرفیت در وزارتخانه های کلیدی، مانند وزارت معارف، وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین، سرمایه گذاری نمایید و اطمینان حاصل کنید که بسیج اجتماعات یک عنصر کلیدی در کلیه پالیسی ها و مداخلات شما می باشد.

- ساحات دارای انسجام اجتماعی ضعیف، معیشت های اندک، میزان بالای جرایم، فی صدی کم حضری در مکاتب و میزان بالای کارهای خطرناک برای اطفال، را شناسایی نموده و در آن ساحات سرمایه گذاری نمایید. جلب توجه دفتر ریاست جمهوری در زمینه انکشاف اجتماعات در ساحات سرحدی می تواند گام مثبتی در این راستا محسوب شود و باید بوسیله وزارت احیاء و انکشاف دهات و برنامه همبستگی ملی از طریق کار جدی با شوراهای انکشاف اجتماعات محلی حمایت گردد.^{۱۷}

توصیه هایی برای سازمانهای تطبیق کننده :

- در انجام تمام مداخلات در مورد کار اطفال، از یک روش مردم-محور استفاده کنید و قبل از کار با هر اجتماع مردمی، یک سروی و تحقیق راجع به ظرفیتهای و آسیب پذیری های آن انجام دهید و بعد از آن بر نقاط قوت آنها سرمایه گذاری نموده وضعف های آنان مورد توجه قرار دهید.

- در همکاری با دیگر سازمانهای تطبیق کننده، موضوعات حمایت از اطفال به شمول کار اطفال را در ابتکارات انکشاف اجتماعات مردمی شامل سازید و اطمینان حاصل کنید که اقدامات راجع به انکشاف اجتماعات مردمی در برگیرنده کمپین های افزایش آگاهی برای کار اطفال بوده و کاهش و قانونمند کردن آن از اهداف معین پلانهای انکشاف اجتماعات مردمی می باشد.

^{۱۶} . ورکشاپ مربوط به CPAN که در دلو سال ۱۳۸۸ در کابل تدویر یافت بر تقویت و تحکیم سطوح شبکه سازمانهای حامی اطفال CPAN در سطح ولسوالی ها و ولایات تاکید ورزیدند، بخصوص احتیاج به تاسیس یک مکانیزم قوی گزارش دهی از اجتماعات مردمی به سطوح ملی CPAN را لازم و ضروری پنداشتند.

^{۱۷} . مصاحبه با کارل لودوس ، سنبله سال ۱۳۸۸

- شبکه ای از اعضای اجتماعات مردمی را ایجاد نمایید که در برگیرنده بخشهایی چون اعضای هماهنگی انکشاف اجتماعات مردمی، رهبران مذهبی، ریش سفیدان، معلمین، کارمندان صحتی و کارفرمایان باشد تا بتوان مکانیزمهای نظارتی وسیع و همه جانبه را در سطح اجتماعات به وجود آورد. کوشش کنید که آن دسته از اطفالی را که سابقاً کار می کردند و همچنین آنانی را که فعلاً کارگر هستند، عضو شبکه سازید تا بتوان با استفاده از تجربیات آنها مداخلات مناسب و موثری را انجام داد. شبکه های اجتماعی را حمایت نمایید تا بتوانید اطفال را در محیط های کار نظارت کنید، با کارفرمایان تماس برقرار سازید تا شرایط کاری برای اطفال را بهبود بخشید و برای حاضر شدن اطفال کارگردرمکاتب از آنان کسب اجازه نموده و در نهایت تحقیق کنید که هیچ طفلی از مکتب بازمانده است. با کمک اجتماعات مردمی کارهای خطرناک و بدترین اشکال کار برای اطفال را شناسایی نمایید و مکانیزمهای گزارش دهی و اقدامات مقابله ای خاصی را تنظیم کنید تا محرمانگی مسایل مربوط به اطفال و رفاه آنها را حفظ کند.

- الگوهای مثبت را در میان اجتماعات مردمی شناسایی نموده و با آنها تماس بگیرید تا در رابطه به ارزش تعلیم و تربیه و اثرات منفی کوتاه مدت و دراز مدت کار اطفال برای مردم آگاهی دهی نماید. از خانواده هایی که اطفال خودشان را از کار منع نموده و به مکتب روان کرده اند به عنوان الگوهای مناسب استفاده نمایید و آنها را حمایت کنید تا بتوانند تجارب خودشان را با دیگر افراد شریک سازند و استراتژی های خودشان در مورد اینکه چگونه اطفالشان را از کار منع نموده اند را با دیگران در میان بگذارند.

- کوشش نمایید فضای امنی را برای اطفال در اجتماعات مردمی ایجاد نمایید تا آنها بتوانند به راحتی یاد بگیرند و بازی کنند و ترس والدین درباره مسایل امنیتی و جرایم را کاهش دهید. ۱۸ از مکاتب، مراکز اجتماعات مردمی و یا خانه ها به عنوان مکانهای ارتباطی جهت افزایش آگاهی مردم و بسیج نمودن آنها درباره موضوعات کار و حمایت از اطفال استفاده نمایید.

۴.۳. تقویت محیط های انتظامی، حقوقی و پالیسی برای کاهش کار اطفال

فراهم آوری یک محیط حمایت کننده سیاسی، نهادی، حقوقی و انتظامی برای دستیابی به کاهش پایدار کار اطفال لازم و ضروری می باشد. نشانه های مثبتی وجود دارند که حاکی از افزایش انگیزه و تعهد سیاسی در قبال مساله کار اطفال می باشند، از آن جمله می توان به شامل شدن این موضوع در استراتژی انکشاف ملی افغانستان، استراتژی و پالیسی استخدام ملی و استراتژی ملی برای اطفال در معرض خطر اشاره کرد. پلان تصویب کنوانسیون حداقل عمر برای استخدام کارگران و کنوانسیون بدترین اشکال کار اطفال سازمان بین المللی کار، از موارد مهم انکشاف حقوقی بوده و نشان دهنده تعهد سیاسی دولت افغانستان در قبال کار اطفال می باشند. ۱۹ پالیسی ها و چارچوبهای حقوقی و انتظامی ناظر بر مسئله کار اطفال،

^{۱۸} . یکی از ابتکارات یونیسف به منظور ایجاد ساحات امن برای بازی و تفریح اطفال در سراسر افغانستان با اذعان به اینکه نیاز است که اطفال و جوانان به مکانهای سالم و مناسب برای یادگیری و تفریح دسترسی داشته باشند.

^{۱۹} . مصاحبه با برنامه سازمان جهانی کار برای افغانستان ، سنبله سال ۱۳۸۷

باشند، مورد حمایت قرار گرفته و از تمام حقوقشان برخوردار می باشند. رهنمودهایی را برای پولیس و نهادهای عدلی و قضایی برای برخورد با شرایطی که اطفال در آن شامل می باشند، تهیه و تطبیق نماید ۲۱

توصیه های برای سازمانهای تطبیق کننده:

- براساس تجارب موجود، داده ها و نظرات اصلاحی (feedback) را برای ساخت و انکشاف پالیسی ها و بهترین شیوه های رسیدگی و پاسخ گویی به کار اطفال ارایه نماید.
 - انتقال معلومات از اجتماعات مستفید شونده به ساختارهای ولسوالی، ولایتی و ملی را تسهیل بخشید - بخصوص برای شبکه سازمانهای حمایت کننده از اطفال - به منظور اینکه بتوان در رابطه به واقعات و نوعیت کار اطفال در افغانستان معلومات مربوطه را بهبود بخشید.
- یک واکنش موثر به کار اطفال باید حتماً روابط پیچیده عوامل اقتصادی و اجتماعی که تصمیم گیری خانواده ها را متاثر می سازد، در نظر بگیرد و مداخلات هم باید چند سکتوری بوده و هماهنگ شده باشد تا مقاصد جلوگیری، کاهش و امحای کار اطفال در کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت دست یافتنی باشند. آنها همچنین باید ارزشهای مثبت اجتماعات مردمی و الگوهایی که رفاه جسمی، عاطفی و فکری اطفال را ترویج می نمایند را حمایت و تقویت کنند. مهم تر از همه این است که با توجه به این واقعیت که آسیب پذیری خانواده ها و اجتماعات مردمی در استفاده از نیروی کار اطفال با توجه شرایط خاص هر منطقه متفاوت می باشد، بنابراین مداخلات باید براساس شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و محیط تعلیمی هر منطقه طراحی شود تا منتج به دستیابی اثرات بزرگتری شوند.
- مساعی و تلاشها برای کاهش کار اطفال نمی توانند جدا از زمینه وسیع تر فقر مزمن و ناامنی در افغانستان تصور شوند و همانطور که در این تحقیق نشان داده شد، روابط بین فقر، منازعات، جرایم وضعف حاکمیت قانون، تاثیرات ملموسی بر توانایی اطفال در یادگیری، تفریح و بازی و نهایتاً تبدیل شدن به یک فرد سالم و مفید بالغ دارد. پس تنها در یک افغانستان صلح آمیز و مرفه است که اطفال و خانواده هایشان می توانند به آرزوهای شان برای یک آینده روشن دست یابند.

ناقص می باشند، زیرا نتوانسته اند که به طور مناسب سکتور غیر رسمی را که در آن اکثر اطفال افغانستان مشغول به کار هستند، مورد توجه قرار دهند. قانون کار افغانستان حداقل عمر برای کار را تعیین نموده است و حداکثر ساعات کاری را برای کارکنان زیر ۱۸ سال نیز مقرر نموده است، ولی اصطلاحات "کار سبک" و "کار خطرناک" را تعریف نموده است.

به علاوه، به هیچ مکانیزمی برای نظارت از این مقررات اشاره ای نشده یا به اینکه چطور محل های کار تنظیم شوند، توجهی صورت نگرفته است. با توجه به اینکه بخش عمده کار اطفال در سکتورهای غیر رسمی صورت می گیرد، مکانیزمهای مردمی که در فوق بدان اشاره شد به احتمال زیاد می توانند موثرترین وسیله برای نظارت و حمایت باشد. اگرچه هنوز ارتباط بین اجتماعات مردمی و شبکه سازمانهای حمایت از اطفال کامل نمی باشد و ناهماهنگی هایی وجود دارد. این شبکه در سطوح ولایتی و ملی فعالیت می کند. ۲۰ دولت افغانستان از طریق وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین در هماهنگی نزدیک با وزارت معارف که رهبری این موضوع را به عهده دارد، باید در تعیین پالیسیها و هماهنگی بین مراجع ذی نفع در قبال کار اطفال از خود رهبری مقتدری را به نمایش گذاشته و استراتژی را برای مداخله در سطوح اجتماعات مردمی، ولسوالی، ولایتی و ملی تهیه نماید.

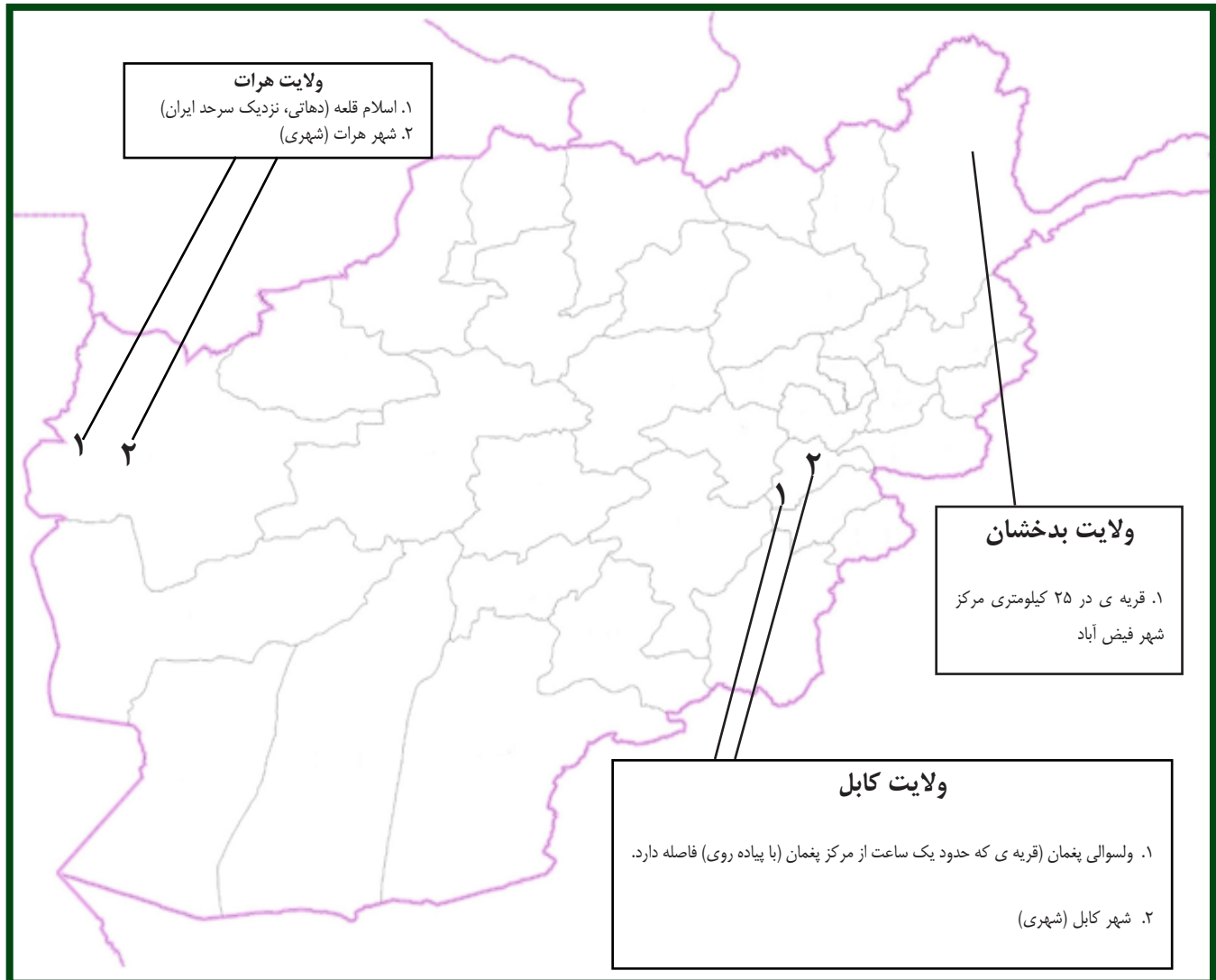
توصیه هایی برای دولت افغانستان:

- کنوانسیون حداقل عمر برای استخدام کارکنان و کنوانسیون بدترین اشکال کار اطفال سازمان بین المللی کار را در اسرع وقت تصویب نماید. برنامه های مشخص با اهداف معین را در چارچوب زمانی پیش بینی شده تنظیم کرده و برای کاهش خطرات و تدریجاً کاهش میزان کار اطفال، یک جدول زمانی تهیه نماید. مقررات و رهنمودهای کنوانسیونهای سازمان بین المللی کار را در پروسه تقنینی ملی شامل سازید تا اطمینان حاصل نماید که بین قوانین کار افغانستان و ضوابط بین المللی راجع به کار اطفال مطابقت و همخوانی وجود دارد.
- با کمک فنی و تکنیکی سازمان بین المللی کار و برنامه بین المللی برای امحای کار اطفال (IPEC)، مقررات مربوط به کار اطفال را به صورت جامع بررسی نماید. ۲۰ و اطمینان حاصل کنید که مقررات مربوط به مکانیزمهای انتظامی و نظارتی در شرایط خاص افغانستان به خصوص در اقتصاد غیر رسمی قابل تطبیق هستند.
- اطمینان حاصل کنید که شبکه سازمانهای حمایت از اطفال در کلیه سطوح ولسوالی، ولایتی و ملی گروههای کاری فرعی را با پلانهای عملی معین و شاخصه هایی چون گروههای مورد هدف، جدول زمانی و بازیگران مسئول ایجاد نموده اند. و اطمینان حاصل نماید که وزارت معارف، رهبری اجتماعات مردمی، مانند شبکه حمایت از اطفال و سازمانهای فعال در عرصه تعلیم و تربیه، معیشت، حمایت از اطفال و انکشاف اجتماعی که اشتراک بالقوه رسیدگی به مسائل مرتبط به کار اطفال دارند، نیز در این امر سهیم هستند.
- مکانیزمهای معینی را ایجاد و تقویت نماید تا از اطفالی که به خاطر کارشان قوانین را نقض کرده اند، هنگامی که در توقیف خانه های پولیس می

۲۱ . توافق اخیر بین شبکه حمایت از اطفال، وزارت کار، امور اجتماعی، شهداء و معلولین، وزارت داخله و لوی سارنوالی مبنی بر همکاری اجباری بین مددکاران اجتماعی، افسران پولیس و سارنوالان در زمینه رسیدگی به دوسیه های مربوط به اطفال، به عنوان گامی مثبت در بهبود حمایت از اطفال متخطی از قانون تلقی می گردد.

۲۰ . همچنین در استراتژی و پالیسی استخدام ملی توصیه شده است

ضمیمه: نقشه موقعیت های کاری ساحوی مطالعه «کار اطفال»



نویسنده: امدا سیم
طراح گرافیک: عبدالوکیل وسیم

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان یک سازمان تحقیقاتی مستقل است که تحقیقات عمل گرا را اجرا و تسهیل کرده و دانش آگاهی بخش و موثر برمشی و عملکرد را مد نظر قرار می دهد. واحد تحقیق و ارزیابی به گونه فعال از طریق تقویت ظرفیت تحلیلی در افغانستان و خلق فرصت های تحلیل و تبادل نظر، فرهنگ تحقیق و یادگیری را ارتقاء میبخشد. مهمترین اصل در بینش واحد ارزیابی و تحقیق افغانستان، ارتقاء زندگی افغان ها است.

تمام نشریات AREU را می توانید از وب سایت www.areu.org.af دانلود نمایید و همچنین نسخه های چاپی را نیز می توانید از دفتر AREU به دست آورید.

جاده گلروشی (نبش سرک ۲)، شهرنو، کابل، افغانستان

وب سایت: www.areu.org.af ایمیل: areu@areu.org.af تلیفون: ۵۸۴ ۶۰۸ ۷۹۹ (۰) ۹۳+